

درآمدی بر

الگوی تخصیص زمان با نگرش دینی

محمد حسین کرمی*

چکیده

در این مقاله، سه عامل زیر از عوامل مؤثر در تخصیص زمان افراد آخرت‌گرا بررسی می‌شود:

الف. رغبت به کسب درآمد حاصل از کار؛

ب. نقش اهداف و انگیزه‌های اخروی؛

ج. اهمیت کار کردن.

انسان آخرت‌گرا در بسیاری از موارد هنگام تغییر دستمزد و قیمت نسبی کالاها، میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر جانشینی برقرار می‌کند. منحنی عرضه نیروی کار او در این محدوده، در سطوح دستمزد بالا نسبت به منحنی عرضه نیروی کار افراد دنیاگرا کمتر به عقب برمی‌گردد. از سوی دیگر او با محدوده‌های غیرقابل جانشین نیز مواجه است. که این نسبت به الگوی افراد دنیاگرا وسیع‌تر است.

* عضو گروه اقتصاد مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه..

در انتخاب شغل، علاوه بر لزوم توجه به احکام پنج‌گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح توجه به شیوه‌های قرارداد نیز مهم است. برای نمونه شیوه‌هایی مانند مزارعه، مضاربه و مساقات نسبت به اجاره از اولویت برخوردارند.

واژگان کلیدی: الگوی آخرت‌گرا، تخصیص زمان، منحنی عرضه نیروی کار

مقدمه

هر انسانی در شبانه‌روز، زمان بیست و چهار ساعته‌ای را که در اختیار دارد، به اموری مانند: کار برای کسب درآمد، خواب، خوردن و آشامیدن، عبادت، تفریح و سرگرمی و امثال آن اختصاص می‌دهد. افراد در تعیین مقدار و چگونگی امور مذکور، معمولاً اهداف و آرمان‌های خود را مورد توجه قرار می‌دهند. در یک تحلیل، می‌توان این اهداف را در یک محور طولی به سه بخش تقسیم کرد: الف. اهداف ابتدایی مانند رفع گرسنگی، حفظ بدن از سرما و گرما، استراحت و...؛ ب. اهداف نهایی مانند تحصیل منافع؛ ج. اهداف واسطه‌ای که بین اهداف ابتدایی و نهایی قرار دارند. به‌عنوان مثال، فعل خوردن و آشامیدن به‌عنوان یک کنش، موجب تقویت قوای جسمانی می‌شود و تقویت قوا، می‌تواند موجب افزایش قدرت مالی یا سیاسی شود و چنین قدرتی، شخص را از مطلوبیت و لذت افزون‌تری بهره‌مند می‌کند. ممکن است فردی با توجه به این پیامدها، غذا بخورد که در این صورت، تقویت قوای جسمانی، هدف ابتدایی و کسب قدرت مالی و سیاسی - اجتماعی، هدف واسطه‌ای، و بهره‌مندی از مطلوبیت افزون‌تر، هدف نهایی او به‌شمار خواهد آمد. اهداف نهایی و تا حدودی اهداف ابتدایی و واسطه‌ای، می‌توانند متناسب با فرهنگ‌های گوناگون متفاوت شوند. از این‌رو، این اهداف را در فرهنگ سرمایه‌داری و مادی، متفاوت از فرهنگ دینی در نظر می‌گیرند. این تفاوت، در الگوهای تخصیص زمان نیز تأثیر می‌گذارد و موجب می‌شود فرهنگ‌های مختلف، از الگوهای متفاوتی برخوردار شوند. تخصیص زمان برای دنیاگرایان، به‌طور معمول با هدف منافع شخصی مادی و دنیوی الگوسازی می‌شود. از نظر آنان، هر چیزی لذات و منافع زودگذر دنیای مادی فرد را بیشتر در برداشته باشد، ارزش بیشتری هم دارد. در صورتی که الگوهای متناسب با فرهنگ دینی، منافع و لذت‌های جهان آخرت را هدف

اصلی و نهایی و منافع دنیوی را همگون با آن به عنوان اهداف ابتدایی و واسطه‌ای در نظر می‌گیرند.

اهداف مختلف می‌تواند شیوه‌های گزینش را نیز متفاوت کند. الگوهای دنیاگرا، شیوه گزینش را صرفاً عقلانی می‌دانند و از عقلانیت تفسیری دنیاگرایانه پیروی و فرض می‌کنند که انسان‌ها همیشه خردمندانه و حساب‌گرانه اوقات خود را به راهی تخصیص می‌دهند که بیشترین منافع شخصی دنیوی را به ارمغان بیاورد. صرف‌نظر از این‌که این خردمندی، که به «عقلانیت ابزاری» موسوم است، تاکنون در عمل تحقق یافته است یا نه، فرض آن برای دنیاگرایان که تنها به منافع شخصی و مادی خود می‌اندیشند، چندان مشکل نیست؛ زیرا پیامدهای دنیوی، قابل پیش‌بینی و محاسبه و سنجش عقلانی هستند، اما الگوهای آخرت‌گرا نمی‌توانند از روش‌های صرفاً عقلانی به معنای مذکور استفاده کنند، بلکه شیوه عقلانی - وحیانی را برمی‌گزینند. منافع اخروی، بلکه بسیاری از اهداف واسطه‌ای که به آن‌ها منتهی می‌شوند، قابل شناخت و پیش‌بینی و سنجش عقلانی نیستند و باید از طریق وحی الهی به آن‌ها پی برد، و از سوی دیگر، می‌توان بسیاری از پیامدهای اولیه و اهداف ابتدایی را خردمندانه مورد محاسبه و سنجش قرار داد. به عنوان مثال می‌توانیم از طریق وحی الهی، از درجات اهمیت و نقش تحصیل علوم مختلف مانند خداشناسی، دین‌شناسی، علوم و فنون کاربردی و غیره، در دستیابی به منافع اخروی آگاه شویم. در این فرض، تحصیل بیشترین منافع اخروی، هدف نهایی است و برای دستیابی به آن، باید ابتدا درک کرد که کدامیک از دانش‌های مذکور و یا کدام ترکیب از آن‌ها، ما را به هدف نهایی می‌رساند. این مرحله، هدف واسطه‌ای به شمار می‌رود. فراگیری آن دانش نیز، هدف ابتدایی است. اکنون اگر بتوانیم از طریق پیش‌بینی و محاسبات خردمندانه، تشخیص دهیم که برای آموختن دانشی که هدف ابتدایی است باید از کدام کتاب یا مرشد یا هر ابزار دیگری استفاده کنیم، عقلانی عمل کرده‌ایم و در این صورت می‌توانیم وقت خود را صرف استفاده از ابزاری کنیم که بیشترین منافع اخروی را در پی داشته باشد. استفاده از ترکیب عقل و وحی در گزینش‌های افراد آخرت‌گرا، در اغلب موارد وجود دارد. البته مواردی نیز پیدا

می‌شود که وحی، در تعیین نوع ابزار و مقدمات دستیابی به هدف ابتدایی دخالت می‌کند که در چنین مواردی، گزینش‌ها صرفاً وحیانی هستند.

با توجه به آنچه گذشت، جامعه اسلامی، دست‌کم در بسیاری از اهداف، با جوامع دنیاگرا، مانند سرمایه‌داری تفاوت دارد. این تفاوت‌ها، به نوبه خود موجب تفاوت در کنش‌ها و گزینش‌ها خواهد شد.^۱ ما در اینجا با دو نوع گزینش، یکی گزینش میان کار درآمدزا و امور فراغتی، و دیگری ترجیح یک شغل درآمدزا بر شغل درآمدزای دیگر مواجه‌ایم. پس از مشخص شدن میزان زمان صرف شده در کار درآمدزا، نوبت به گزینش دوم می‌رسد. از آنجا که هر یک از این دو گزینش، معیارهای خاصی را می‌طلبد، هر یک از آن‌ها را جداگانه مورد بحث قرار می‌دهیم. گزینش اول، با عنوان «الگوی تخصیص زمان» و گزینش دوم با عنوان «انتخاب نوع شغل و نحوه عرضه آن» مطرح می‌شود. در این مقاله، ابتدا به بیان نظریاتی می‌پردازیم که با عنوان تخصیص زمان یا عرضه نیروی کار، در اقتصاد خرد ارایه شده‌اند و نظریات ما را در شیوه ارایه الگوی تخصیص زمان یاری می‌کنند. سپس به بررسی ویژگی‌های اساسی یک الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا می‌پردازیم. بیان این ویژگی‌ها، دورنمایی از الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا را ترسیم و ما را به ارایه آن قادر می‌سازد. در این صورت، پس از بیان شمایی از آن الگو، آن‌را با الگوی تخصیص زمان دنیاگرا مقایسه می‌کنیم. از آنجا که الگوهای تخصیص زمان، از اهداف و شیوه‌های گزینش اثر می‌پذیرند، الگوهای افراد دنیاگرا با افراد آخرت‌گرا متفاوت می‌شوند. این تفاوت، ممکن است خود را در ظاهر نشان ندهد، اما با بررسی لایه‌های زیرین آن، جلوه خواهد نمود. پس از مقایسه دو الگو نیز، بحثی پیرامون عرضه کار به یک شغل، مطرح خواهد شد.

۱. در این‌جا ادعا این نیست که ویژگی‌های جوامع یا افراد آخرت‌گرا در عمل نیز تحقق دارند، بلکه صرفاً بحث نظری مطرح شده است. به دیگر سخن، برای ارایه یک الگو، گاهی رفتارهای عینی و تحقق یافته را مورد مطالعه قرار می‌دهند و از آن‌ها الگویی را برمی‌گیرند و گاهی با وجود آن‌که، چنین رفتاری تحقق نیافته، با توجه به اصول و پیش‌فرض‌های آن جامعه یا افراد، الگوسازی می‌کنند. در این‌جا برای ارایه الگوی آخرت‌گرا، از روش دوم استفاده شده است. البته این الگو، دست‌یافتنی است و افراد آخرت‌گرا به راحتی می‌توانند رفتار خود را با آن تطبیق دهند.

نظریات تخصیص زمان در اقتصاد خرد

درباره تخصیص زمان تاکنون سه نظریه در اقتصاد خرد ارائه شده است که در ادامه،

بیان مختصری از هر یک را ارائه می‌نمایم.

نظریه ساده تخصیص زمان

در این نظریه، فرض می‌شود که شخص تنها برای دو چیز ارزش قایل است؛ یکی

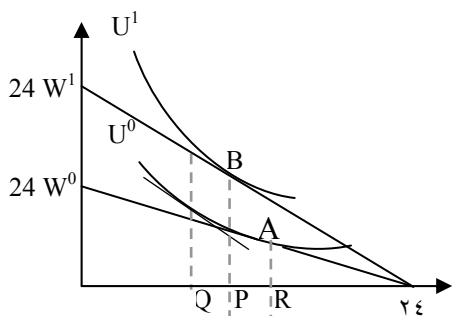
کالاهایی که از درآمد حاصل از کارکردن می‌تواند خریداری کند و در اینجا آنرا با Y

نشان می‌دهیم و دیگری زمانی را که صرف فراغت می‌کند و در اینجا آنرا با T نشان

می‌دهیم. او می‌خواهد مطلوبیتی را که از این دو حاصل می‌شود، $U=U(Y,T)$ بیشینه

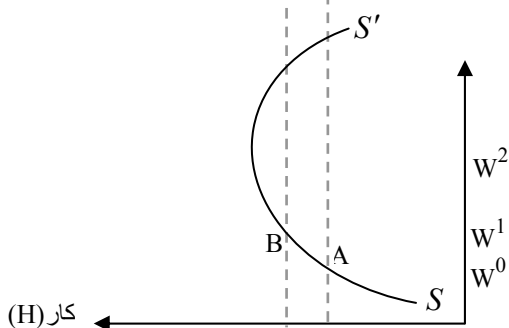
سازد. در این صورت، اگر دستمزد افزایش یابد، او با دو اثر جانشینی و درآمدی

مواجه خواهد شد.



نمودار ۱ (الف)

زمان فراغت



نمودار ۱ (ب)

نمودار عرضه ساعات کار

از یک سو، اثر جانشینی اقتضا می‌کند که او کار را جایگزین فراغت (که اکنون هزینه فرصت بیشتری دارد) کند و از سوی دیگر، اثر درآمدی اقتضا می‌کند که با درآمد بیشتر فعلی، دیگر به سختی قبل کار نکند و از میزان کار خود بکاهد. پیش‌بینی می‌شود که در طول مراحل صعودی دستمزد، تا مرحله‌ای، اثر جانشینی بر اثر درآمدی فایق آید و او همچنان بر میزان کار خود بیفزاید و از فراغت خود بکاهد. اما پس از مرحله‌ای خاص، اثر درآمدی غالب و از آنجا به بعد میزان کار کاهش یابد. در نتیجه در ابتدا منحنی عرضه نیروی کار، صعودی است و پس از مرحله‌ای به عقب برمی‌گردد.

نظریه کلی تر تخصیص زمان

نظریه پیشین، مطلوبیت را تنها تابعی از کالاهایی که با درآمد ناشی از کار می‌توان خریداری کرد و زمانی که صرف فراغت می‌شود می‌داند، ولی برای خود کار، هیچ ارزشی در نظر نمی‌گیرد؛ در صورتی که در عمل مشاهده می‌شود، مردم برای خود کار کردن نیز ارزش قایل‌اند. در این صورت، نظریه تخصیص زمان را می‌توان به‌گونه‌ای ارایه کرد که این عنصر نیز در آن لحاظ شود و مطلوبیت، تابعی از خود کار نیز باشد؛ یعنی $U=U(Y,T,H)$ (در این‌جا کار با H نشان داده شده است).

نظریه جامع تر تخصیص زمان

دو نظریه پیشین، از نقطه ضعفی برخوردارند که در نظریه جامع‌تری برطرف می‌شود. نقطه ضعف مذکور، این است که با دو نظر قبلی، نمی‌توان اثر تغییرات در قیمت نسبی کالاها بر عرضه کار را مشاهده کرد. به همین دلیل، باید نظریه واقع‌بینانه‌تری ارایه نمود. در الگوی جامع‌تر، برای جبران این نارسایی، مطلوبیت، دیگر تابعی از کالاها و فراغت نیست، بلکه تابعی از فعالیت‌های فراغتی است. فعالیت‌هایی که انسان در زمان فراغت انجام می‌دهد، هر یک مستلزم استفاده از یکسری کالاها و بازاری و مقداری صرف وقت است. به عنوان مثال، رفتن به حومه شهر برای تفریح و گذران اوقات فراغت، از سوئی مستلزم استفاده از وسایل نقلیه و پرداخت هزینه حمل‌ونقل (کالاهای

بازاری) و از سوی دیگر، نیازمند صرف زمان است. اکنون برای مشاهده اثر تغییر در قیمت نسبی کالاها بر عرضه کار فرض می‌کنیم اولاً مطلوبیت، تنها به دو فعالیت بستگی داشته باشد که در یکی از آنها مانند مثال مذکور، زمان لازم برای هر واحد از آن فعالیت نسبت به ارزش پولی نهاده کالایی آن زیاد باشد و از این رو یک فعالیت زمان‌بر به حساب آید و فعالیت دیگر مانند خوردن، نیازمند زمان کمتر و نهاده کالایی بیشتری باشد، و ثانیاً ارزش پولی هزینه حمل‌ونقل به حومه شهر کاهش یابد (و کاهش آن نیز به‌گونه‌ای با درآمد جبران شود که رفاه بدون تغییر باقی بماند)، در این صورت، شاهد یک جانشینی از فعالیت «خوردن» به سمت فعالیت زمان‌بر «رفتن به حومه شهر» هستیم و این جانشینی، خود موجب می‌شود مقدار زمان بیشتری صرف فعالیت‌های فراغتی و در نتیجه مقدار زمان کمتری صرف کار درآمدزا شود.

ویژگی‌های اساسی یک الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا

قبل از این‌که الگویی در این زمینه ارائه کنیم، ابتدا به ویژگی‌هایی که هر الگوی آخرت‌گرا باید در مورد تخصیص زمان داشته باشد اشاره می‌کنیم. در این بیان، عمدتاً از دو منظر به موضوع نگاه شده است: یکی گستره فعالیت‌های فراغتی و دیگری گستره فعالیت‌های کاری.

الف. گستره فعالیت‌های فراغتی

اگر فعالیت‌های فراغتی را به معنای هر فعالیتی غیر از کار درآمدزا بدانیم، آن‌گاه باید گفت گستره فعالیت‌های فراغتی افراد آخرت‌گرا، از جهتی بسیار وسیع‌تر از افراد دنیاگراست. آنان از آن رو که منافع اخروی را اصل قرار می‌دهند، برای بسیاری از اموری که مورد علاقه افراد دنیاگرا نیست، ارزش قایل‌اند و آن‌ها را در دایره گزینش‌های خود قرار می‌دهند. موارد ذیل را از این قبیل می‌توان نام برد:

الف-۱. آنان مقداری از وقت خود را صرف کمک به دیگران و امور خیر می‌کنند. کسی که معتقد به جهان آخرت است، برای کسب پاداش‌های اخروی، به فکر جامعه خود و رفاه دیگران، به‌خصوص مستمندان است و در این راه، از صرف مال، وقت و حتی در مواردی جان خود، دریغ نمی‌ورزد و در پاره‌ای موارد، این ایثارها را وظیفه

الزامی و در پاره‌ای دیگر وظیفه ترجیحی خود می‌داند.^۱ این‌گونه فعالیت‌ها، معمولاً نیازمند ترکیبی از صرف زمان و نهاده کالایی (انفاقات مالی و هزینه‌های لازم برای انجام امور خیر) است. گاهی مانند کمک‌های غیرمالی، زمان‌بر و گاهی مانند کمک‌های مالی، کمتر زمان‌بر است. این دو نوع فعالیت، در بسیاری از موارد، قابلیت جانشینی با یکدیگر را دارند. مثلاً برای مشارکت در ساخت‌وساز یک بیمارستان، می‌توان کمک مالی کرد یا از حرفه و مهارت خود در یکی از امور مورد نیاز آن، مشارکت و با صرف وقت خود، به آن کمک کرد. اما در مواردی هم، چنین جانشینی‌ای میسر نیست؛ مثلاً هنگامی که جهاد فی سبیل‌الله و یا دفاع از جامعه اسلامی به مرحله الزام و وجوب می‌رسد، گاهی به‌حسب نیاز باید از اموال خود انفاق کرد و گاهی جای انفاق مالی نیست، بلکه باید از وقت و حتی جان خویش مایه گذاشت. در این صورت، هر یک از این دو فعالیت برای خود جایگاهی خاص دارند و جایگزین یکدیگر نخواهند شد.

الف-۲. فراگیری دستورات دینی، یکی از موارد دیگری است که انسان‌های آخرت‌گرا، اوقات فراغت خود را در آن‌ها صرف می‌کنند. یادگیری این فرامین، گاهی الزامی و گاهی ترجیحی است.

گرچه این فعالیت‌ها همیشه مستلزم صرف زمان‌اند، اما در بسیاری موارد، علاوه بر زمان، نیازمند نهاده‌های کالایی نیز هستند. میزان هر یک از زمان و نهاده کالایی در آن‌ها، بستگی به نوع روش آموزش نیز دارد، زیرا به روش‌های مختلف می‌توان فرامین دینی را آموخت. گاهی آموزش با ابزارهای پیشرفته و با صرف وقت کم و گاهی با استفاده از ابزارهای زمان‌بر انجام می‌گیرد. این دو نوع روش آموزش، معمولاً

۱. البته منظور این نیست که افراد دنیاگرا به‌طور کلی از انجام امور خیر بیزارند، بلکه منظور این است که انسان‌های آخرت‌گرا، در دامنه وسیع‌تری به این‌گونه امور اقدام می‌کنند؛ زیرا آنان علاوه بر عواطف و انگیزه‌های دیگر دوستانه، که تقریباً در همه انسان‌ها وجود دارد، از انگیزه اخروی نیز برخوردارند که با شدت بیشتری آنان را به امور خیر رهنمون می‌شود. علاوه بر این‌که امور خیر در جوامع دنیاگرا، به‌طور معمول توسط افراد معدودی تحت عنوان سازمان‌ها و مؤسسات خیریه انجام می‌گیرد. در این صورت، اگر حتی آنان به حجم زیادی از امور خیر مبادرت ورزند، باز هم نمی‌توان آن‌ها را در الگوی رفتاری مورد توجه قرار داد؛ اما در جوامع آخرت‌گرا، اگر هر فرد به اندکی از امور خیر اقدام کند، از آن‌جا که بیشتر افراد آن جامعه به‌طور مستقیم یا با تشکیل مؤسسات خیریه به انجام آن‌ها اقدام کرده‌اند، می‌توان آن‌ها را در الگوی رفتاری مورد توجه قرار داد.

می‌توانند جانشین یکدیگر شوند.

الف-۳. تربیت دینی و آموختن وظایف دینی فردی و اجتماعی به فرزندان، یکی دیگر از وظایف افراد آخرت‌گراست. این فرضیه را شخصاً می‌توان با صرف وقت انجام داد و یا می‌توان با استخدام افراد و امکانات به آن مبادرت ورزید. از این‌رو، در این فعالیت فراغتی، امکان جانشینی هست و نوسانات دستمزد و قیمت نسبی نهاده کالایی، در میزان پرداختن به آن و در نتیجه میزان پرداختن به کار و تلاش درآمدزا تأثیر می‌گذارد.

الف-۴. عبادت الهی نیز یکی دیگر از فعالیت‌های فراغتی انسان‌های آخرت‌گراست. منظور از عبادت در این‌جا، معنای خاص آن است که تنها شامل راز و نیاز و خشوع و خضوع و کرنش در مقابل پروردگار عالمیان است. از آن‌جا که در عبادت، مباشرت شخص عبادت‌کننده یکی از ارکان اساسی است، از نوع فعالیت‌های زمان‌بر به حساب می‌آید و به‌ندرت می‌توان آن‌را با فعالیت‌های کمتر زمان‌بر جایگزین کرد.

ب. گستره فعالیت‌های کاری

فعالیت‌های کاری درآمدزا نیز در رفتار افراد آخرت‌گرا نسبت به افراد دنیاگرا از دایره وسیع‌تری برخوردار است. در ادامه به پاره‌ای از این تفاوت‌ها اشاره می‌کنیم.

ب-۱. اگر تعداد افراد شاغل در تولید کالاها و خدمات ضروری جامعه به اندازه کافی نباشد، افراد آخرت‌گرا بر خود لازم و واجب می‌دانند که به انجام آن مشاغل بپردازند.^۱ مثلاً اگر به اندازه کافی پزشک در جامعه نباشد و سلامت جسمی و روانی افراد جامعه به خطر افتد، برای هر شخصی که توانایی تحصیل علم پزشکی و انجام آن را دارد، واجب است به این شغل همت گمارد.^۲ بدیهی است چنین مشاغلی، هرچند

۱. گاهی بازار عرضه نیروی کار در چنین مشاغلی، با تغییر دستمزد و یا الزام حکومت تعدیل می‌شود. در این صورت، واجب کفایی از وجوب ساقط می‌شود.

۲. اسلام برای تنظیم امور اجتماع و حفظ مصالح افراد، پاره‌ای از کارها را - در صورت اقدام نکردن افراد در حد کفایی - واجب شمرده است. مانند: ۱. تولید کالاها و خدماتی که حیات افراد بر آن‌ها مترتب است، به‌گونه‌ای که نبود یا کمبود آن‌ها، زندگانی بشر را در معرض نابودی قرار دهد... ۲. تولید اشیایی که قوام و نظم جامعه به آن‌ها وابسته است، گرچه برای فرد، ضرورتی نداشته باشد؛ مثلاً در شرایط کنونی زندگی بشر، نبودن وسایل حمل‌ونقل، موجب اختلال کارها و از هم پاشیدن زندگی بشر است... ۳. تهیه و تولید ابزار و وسایل دفاعی نیز از واجبات کفایی است؛ زیرا، بدون وجود این‌گونه وسایل، دفاع از جامعه اسلامی در برابر خطر ناشی از هجوم کفر و استکبار امکان ندارد (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۴۰).

درآمدی را به همراه دارند اما نوسانات دستمزد و یا قیمت نسبی نهاده‌های کالایی فعالیت‌های فراغتی، تأثیری بر اقدام به اشتغال به آن‌ها، و افزایش یا کاهش آن فعالیت‌ها نخواهد داشت؛ زیرا شخص در مورد انجام این‌گونه فعالیت‌ها، به‌طورکلی نسبت به میزان درآمد و فراغت و هزینه آن بی‌توجه است. و صرفاً تولید کالا یا خدمت ضروری جامعه را وظیفه خود می‌داند و از این‌رو، به آن مبادرت می‌ورزد.^۱ البته فرد انجام کاری را که وظیفه خود می‌داند، با دریافت دستمزد در ازای آن، در منافات نمی‌بیند.

ب-۲. درحالی‌که افراد دنیاگرا تنها برای تحصیل درآمد و افزایش رفاه دنیای خود دست به کار و تلاش می‌زنند، افراد آخرت‌گرا، جوانب مختلفی را در نظر دارند که یا صرفاً منافع اخروی را در بردارد و یا اگر منافع دنیایی را هم به‌دنبال دارد، حتماً همسو با منافع اخروی است. در این‌جا به پاره‌ای از پیامدهای کار و تلاش که برای افراد آخرت‌گرا جذابیت دارد اشاره می‌کنیم:

ب-۳. کار و تلاش برای تحصیل درآمد و صرف آن در مخارج ضروری خود و افراد تحت تکفل، از نظر اسلام واجب و در این زمینه روایات فراوانی از معصومین(ع) وارد شده است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲، صص ۹-۱۳).

ب-۴. کار و تلاش برای تحصیل درآمد و صرف آن در تأمین نیازمندی‌های غیرضروری زندگی و توسعه در رفاه اقتصادی خود و افراد تحت تکفل، از آن‌رو که موجب آرامش روانی و ایجاد زمینه‌های لازم برای فعالیت‌های فراغتی سالم خواهد شد، در روایات فراوانی مورد تأکید و ستایش قرار گرفته است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۲، صص ۹-۱۳)

ب-۵. کار و تلاش، موجب استقلال اقتصادی می‌شود و آن نیز به نوبه خود در استقلال فکری، اعتقادی و سیاسی نقش مهمی دارد. در پاره‌ای از روایات

۱. گاهی زمینه‌های یک واجب کفایی فراهم می‌شود، اما آن تکلیف، به دلیل این‌که با انجام واجب مهم‌تری تلاقی پیدا می‌کند، از وجوب ساقط می‌شود. به‌عنوان مثال، اگر برای انجام یکی از شغل‌های مورد نیاز ضروری جامعه به‌اندازه کافی داوطلب نباشد، برای افراد دارای تخصص آن شغل انجام آن واجب کفایی است. حال اگر درآمدی که از آن شغل به‌دست می‌آید، برای امرار معاش ضروری یک شخص و افراد تحت تکفل او کافی نباشد، شرایط خاصی به دلیل اهمیت بیشتر امرار معاش پیدا می‌شود و دیگر برای آن شخص، انجام شغل مذکور واجب کفایی نخواهد بود.

معصومین(ع)، به استقلال اقتصادی، تشویق و ترغیب شده است.^۱ در برخی روایات نیز، وابستگی اقتصادی چنان نکوهش شده که حتی افرادی که بار زندگی خود را به دوش دیگران می‌اندازند، مورد لعن قرار گرفته‌اند.^۲

ب-۶. کار و تلاش، علاوه بر منافع شخصی، جامعه را نیز دست کم از دو طریق منتفع می‌سازد: یکی از طریق استفاده از کالاها و خدماتی که بر اثر کار پدید می‌آیند و دیگری از طریق انفاقات و خیراتی که افراد آخرت‌گرا انجام می‌دهند. در برخی از روایات معصومین(ع)، علاوه بر نفقه و توسعه رفاه زندگی خود و افراد تحت تکفل، به کار کردن برای تحصیل درآمد و پرداخت آن به همسایگان، خویشاوندان و انفاق در امور خیر سفارش شده است(حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۱۱، حدیث ۵). شخصی حضور امام صادق(ع) شرفیاب می‌شود و عرض می‌کند «به خدا قسم ما به دنبال دنیا می‌رویم و دوست داریم دنیا به ما داده شود» و حضرت می‌فرماید: می‌خواهی آنچه را از دنیا به دست می‌آوری صرف چه کاری کنی؟». فرد می‌گوید: «صرف خودم و عیالم کنم، آن‌را به خویشاوندان فقیر بدهم، با آن صدقه دهم و حج و عمره به جای آورم». حضرت در پاسخ می‌فرماید: «این کار، دنیاطلبی نیست، بلکه آخرت‌طلبی است». (همان، ص ۱۹، حدیث ۳).

ب-۷. صرف وقت در کار و تلاش، موجب جلوگیری از صرف وقت در فعالیت‌های فراغتی ناسالم می‌شود. شخصی که مشغول کار است، کمتر فرصت اشتغال به مفاسد اجتماعی و لهو و لعب و بطالت عمر دارد. از امام موسی بن جعفر(ع) نقل شده است که: «خداوند از بنده پرخواب و بنده بیکار متنفر است».^۳

در این‌جا این نکته حایز اهمیت است که علاقه به کار کردن، موجب بی‌تأثیر شدن نوسانات در دستمزد و قیمت نهاده‌های کالایی فعالیت‌های فراغتی نخواهد شد؛ زیرا در

۱. من طلب الدنيا استعفا فاعن الناس وسعيا على اهله و تعطفاً على جاره لقي الله عزوجل يوم القيامة و وجهه مثل القمر ليلة البدر (همان منبع، ص ۱۱، حدیث ۵).

۲. ملعون من القى كلة على الناس (همان منبع؛ ص ۱۸، حدیث ۱۰).

۳. ان الله تعالى ليبيغض العبد النوام، ان الله ليبيغض العبد الفارغ (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ج ۱۲، ص ۳۷، حدیث ۴).

فعالیت‌های فراغتی نیز، کار بدون دستمزد وجود دارد. در این صورت، اگر دستمزدها و یا قیمت نسبی نهاده کالایی فعالیت فراغتی زمان‌بر کاهش یابد، افراد ممکن است از فرصت اشتغال خود بکاهند و به کارهای فراغتی روی آورند. البته با این همه، باید محدوده‌ای از صرف زمان در کار و تلاش همراه با دستمزد را در نظر گرفت که شخص برای تأمین معاش ضروری، به آن مبادرت می‌ورزد. افراد آخرت‌گرا و دنیاگرا، هر دو در اصل در نظر گرفتن چنین محدوده‌ای مشترک‌اند، اما در وسعت و ضیق محدوده آن اختلاف دارند. در این‌باره، می‌توان ادعا کرد که افراد آخرت‌گرا، در محدوده وسیع‌تری رغبت به کار درآمدزا دارند و در این محدوده چندان تحت تأثیر نوسانات دستمزدها و قیمت نسبی کالاها قرار نمی‌گیرند؛ زیرا بر اساس فرامین دینی، هر شخص علاوه بر تأمین معاش خود، موظف به تأمین معاش افراد تحت تکفل و به‌خصوص همسر خود نیز هست و چنین تأمین معاشی، نیازمند کار و تلاش درآمدزای بیشتری است. افراد دنیاگرا نیز، گرچه کم‌وبیش در قوانین مدنی خود قوانینی برای تأمین معاش افراد تحت تکفل دارند، اما تعداد آن افراد، عموماً کمتر از تعدادی است که قوانین الهی الزام می‌کند و علاوه بر آن، قوانینی که وضع‌کننده آن، خود انسان باشد، به‌دست خود وی نیز قابل تغییر و لغو است؛ در صورتی که قوانین الهی قابل تغییر نیستند.

جمع‌بندی ویژگی‌های اساسی یک الگوی تخصیص زمان برای افراد آخرت‌گرا

در این‌جا درصددیم عوامل مؤثر در تخصیص زمان را پیدا کنیم تا با استناد به آن‌ها بتوانیم به تابعی برای عرضه نیروی کار دست یابیم. از آن‌جا که هر انسانی با اراده و اختیار خود نسبت به اقدام یا ترک کاری تصمیم می‌گیرد و عوامل مؤثر در تخصیص زمان نیز از مقوله‌هایی هستند که با رضایت و رغبت انسان حاصل می‌آیند و به تعبیر دیگر برای او مطلوبیت پدید می‌آورند، اموری را که برای افراد آخرت‌گرا در تخصیص زمان مطلوبیت ایجاد می‌کنند، می‌توان در سه مورد خلاصه کرد:

مورد اول. کالاها و خدماتی که از درآمد حاصل از کارکردن می‌توان به خود

اختصاص داد. این کالاها و خدمات دو گونه‌اند: پاره‌ای از آنها مانند کالاها و خدمات ضروری و آنچه از شغل‌های واجب کفایی تحصیل می‌شود، چندان تحت تأثیر دستمزد و قیمت نسبی کالاها قرار نمی‌گیرند؛ زیرا فرد آخرت‌گرا در هر شرایطی به وظایف لازم و واجب خود عمل می‌کند و پاره‌ای دیگر از آنها، تحت تأثیر تغییر دستمزدها و قیمت نسبی کالاها قرار می‌گیرند. از آنجا که هر دو دسته برای شخص، مطلوبیت به همراه دارند، هر دوی آنها در الگوی موردنظر جای دارند، اما باید توجه داشت که هر جا می‌خواهیم اثرات تغییر دستمزد یا قیمت نسبی کالاها را بر عرضه نیروی کار بررسی کنیم، باید آن دو دسته کالاها و خدمات را از یکدیگر جدا کنیم.

مورد دوم، زمانی که صرف فعالیت‌های فراغتی می‌شود. منظور از فعالیت‌های فراغتی، هرگونه فعالیتی است که درآمدزا نباشد؛ اگرچه ممکن است تنها زمان‌بر، یا تنها غیرزمان‌بر و یا ترکیبی از آنها باشد. اگر موارد ممنوع از این فعالیت‌ها برای فرد آخرت‌گرا را کنار بگذاریم، در بسیاری از موارد دیگر، افراد دنیاگرا و آخرت‌گرا در این مورد با هم مشترک‌اند؛ زیرا همان‌گونه که در مقدمه بیان شد، اهداف به سه دسته ابتدایی، واسطه‌ای و نهایی تقسیم می‌شوند و از آنجا که بسیاری از کنش‌ها مانند غذا خوردن، تفریح و استراحت برای افراد آخرت‌گرا نیز مانند افراد دنیاگرا هدف ابتدایی دنیوی هستند، هر دو به آن کنش‌ها دست می‌زنند. هدف ابتدایی این موارد، جز حفظ سلامتی و رشد و بقای انسان و امثال آن چیز دیگری نیست و در این امور، افراد دنیاگرا و آخرت‌گرا با هم مشترک‌اند. البته انسان‌های دنیاگرا و آخرت‌گرا، در اهداف واسطه‌ای و نهایی در این کنش‌ها از هم جدا می‌شوند؛ افراد دنیاگرا حفظ سلامتی و رشد و بقا را برای دستیابی به منافع دنیوی بیشتر و افراد آخرت‌گرا، آنها را برای تحصیل منافع اخروی بیشتر می‌طلبند. این تفاوت در اهداف واسطه‌ای و نهایی، خود می‌تواند در انتخاب مقدار و نوع کنش‌ها مؤثر باشد. از سوی دیگر، پاره‌ای فعالیت‌های فراغتی نیز یافت می‌شوند که منحصر به گزینش‌های افراد آخرت‌گرا هستند. این فعالیت‌ها، حتی در اهداف ابتدایی هم وجه مشترکی با افراد دنیاگرا ندارند. برای نمونه، می‌توان به فعالیت‌هایی مانند عبادت، انفاقات مالی، کمک و یاری رساندن با صرف وقت

و آموختن و آموزش دادن فرامین دینی اشاره کرد. از منظر دیگر، بسیاری از فعالیت‌های فراغتی، از قابلیت‌های جانشینی با یکدیگر و نیز با شغل‌های درآمدزا برخوردارند. برای نمونه، بسیاری از امور خیر، آموختن و آموزش دادن فرامین دینی، تعلیم و تربیت فرزندان و زیردستان را می‌توان به‌جای صرف وقت، با هزینه مالی انجام داد و وقت صرفه‌جویی شده را صرف اشتغال به کار درآمدزا کرد. مثلاً کمک به ساخت‌وساز یک بیمارستان عمومی، یکی از امور خیر است. این امر خیر را، هم می‌توان با صرف وقت و کار بدون دستمزد انجام داد و هم می‌توان برای بنای آن، کمک و انفاق مالی کرد. اگر انفاق مالی جانشین صرف وقت شود، درحقیقت، اشتغال به کار درآمدزا نیز جانشین مشارکت عملی شده است؛ زیرا هرچه فرد از مشارکت عملی بکاهد و به انفاق مالی بیشتری روی آورد، وقت اضافه خود را صرف کار درآمدزا خواهد کرد. فعالیت‌هایی که از چنین قابلیت‌های برخوردار باشد، در الگوی موردنظر ما جایگاهی ویژه دارند، زیرا از تغییر دستمزد و قیمت‌های نسبی کالاها تأثیر می‌پذیرند و با توجه به آن اثرات، می‌توان تابع عرضه نیروی کار را ترسیم کرد. در این صورت، می‌توان گفت با افزایش یا کاهش دستمزدها و نیز قیمت‌های کالایی، تا چه حد عرضه نیروی کار تحت تأثیر قرار می‌گیرد. از سوی دیگر، پاره‌ای از فعالیت‌های فراغتی از قابلیت‌های جانشینی برخوردار نیستند. فعالیت‌هایی مانند عبادات و امور خیری که صرف وقت و یا انفاق مالی در آن‌ها، جایگاه خاص و غیرقابل جایگزین دارد از این قبیل‌اند. این فعالیت‌ها، از آن‌جا که کمتر تحت تأثیر تغییرات دستمزد و قیمت نسبی کالاها قرار می‌گیرند، باید در الگوی موردنظر، جایگاه جداگانه‌ای داشته باشند.

مورد سوم، نفس کار کردن. افراد آخرت‌گرا، از بیکاری بیزار و برای اشتغال به کار، اهمیت ویژه‌ای قایل‌اند. این اهمیت منحصر به اشتغال به کار درآمدزا نیست، بلکه آن‌دسته از فعالیت‌های فراغتی را که کار بدون دستمزد به حساب می‌آیند نیز شامل می‌شود. به دیگر سخن، اهمیت دادن به نفس کار در این‌جا، به معنای هدر ندادن عمر و نپرداختن بیش از حد به امور فراغتی غیرکاری است. در این صورت، کار نیز از معنای گسترده‌تری برخوردار است که شامل کار بدون دستمزد نیز می‌شود. البته کار

درآمدا به لحاظ آثار فقرزدایی، توسعه رزق و استقلال اقتصادی، فرهنگی و سیاسی آن، نسبت به کارهای فراغتی از اولویت بیشتری برخوردار است.

گرچه میزان مطلوبیت، از نفس کار کردن حاصل می‌شود و کمتر تحت تأثیر تغییر دستمزدها و قیمت نسبی کالاها قرار می‌گیرد و فرد آخرت‌گرا نیز در هدر ندادن عمر خود هیچ‌گونه کوتاهی نخواهد کرد، اما از نظرگاه دیگری، تغییر آن می‌تواند مؤثر باشد. هنگامی که شخص برای خود کارکردن به معنای گسترده آن اهمیت قایل باشد، اگر قیمت نهاده کالایی یک فعالیت فراغتی کاری افزایش یابد، او به فعالیت کاری دیگر(و ترجیحاً به کار همراه با دستمزد) روی می‌آورد و از هدر دادن وقت خود پرهیز می‌کند. از این‌رو، مطلوبیت نسبت به اصل کارکردن نیز می‌تواند در الگوی مورد نظر ما دارای جایگاه باشد.

اکنون برای وضوح بیشتر، ویژگی‌های اساسی الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا را با ذکر مثالی ترسیم می‌کنیم و آن را با نمودار نشان می‌دهیم. در این الگو، تأثیر تغییر در قیمت نهاده کالایی و نیز تغییر در دستمزد را به صورت مجزا بررسی می‌کنیم.

الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا با لحاظ تغییر در قیمت نهاده کالایی

فرض کنید فرد آخرت‌گرا از دو فعالیت فراغتی ذیل مطلوبیت به دست می‌آورد: یکی کار کارگری ساختمانی بدون دستمزد در ساخت‌وساز بیمارستان عمومی که فعالیتی زمان‌بر است و دیگری خرید مصالح ساختمانی و اهدای آن به ساختمان بیمارستان مذکور، که کمتر زمان‌بر است.

برای تعیین این‌که شخص چقدر به هر یک از دو فعالیت مذکور می‌پردازد، چند مطلب باید مشخص شود:

- الف. او چقدر زمان به این دو فعالیت اختصاص می‌دهد؟ در این‌جا فرض می‌شود او روزانه ۴ ساعت و ۳۰ دقیقه از وقت خود را به این دو فعالیت اختصاص خواهد داد.
- ب. آیا او از ابتدا درآمد دیگری غیر از دستمزد حاصل از کاردرآمدا دارد یا نه؟ در این‌جا فرض بر نبود درآمد اضافی است.

ج. او برای هر ساعت کار چقدر دستمزد دریافت می‌کند؟ فرض می‌شود دستمزد او برای هر ساعت کار، ۱۰/۰۰۰ ریال باشد.

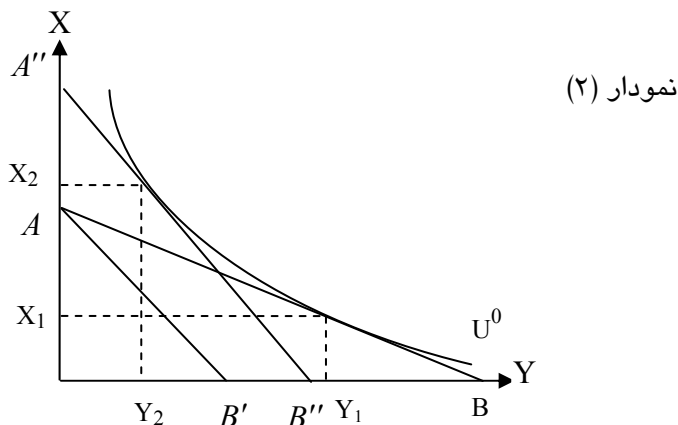
د. فرض می‌شود برای فعالیت کمتر زمانبر (اهدای مصالح ساختمانی) به ۳۰ دقیقه زمان و برای انجام هر واحد از آن به ۳۵۰۰ ریال و برای فعالیت زمان‌بر (کار بنایی بدون دستمزد) به ۵۰۰۰ ریال و برای هر واحد از آن به بیست و یک دقیقه زمان نیاز باشد. برای سادگی محاسبه، فرض می‌شود ۳۰ دقیقه مربوط به فعالیت کمتر زمان‌بر و ۵۰۰۰ ریال مربوط به فعالیت زمان‌بر به‌عنوان هزینه ثابت، حتی در صورت نپرداختن به هر یک از آن‌ها نیز نیاز باشد.

با توجه به فرض مذکور، او در گزینش فعالیت‌های کمتر زمان‌بر (x) و زمان‌بر (y) سه حالت پیش رو دارد:

یکی این‌که تنها به فعالیت x بپردازد. در این صورت او باید ۴ ساعت از وقت خود را در هر روز به کار درآمدزا اختصاص دهد و مبلغ ۳۵۰۰۰ ریال از مبالغ به‌دست آمده را، همراه با ۳۰ دقیقه وقت باقی‌مانده، برای خرید مصالح ساختمانی و ۵۰۰۰ ریال از مبالغ به‌دست آمده را، برای هزینه ثابت فعالیت زمان‌بر صرف کند.

دوم این‌که ۳۰ دقیقه از وقت خود را به کار درآمدزا بپردازد و مبلغ ۵۰۰۰ ریال به‌دست آمده را همراه با ۳ ساعت و ۳۰ دقیقه از وقت خود، را به کار ساختمانی و ۳۰ دقیقه باقی‌مانده را برای هزینه ثابت فعالیت کمتر زمان‌بر بپردازد.

سوم این‌که ترکیبی از دو فعالیت را برگزیند؛ در این صورت، مقداری از زمان خود را صرف دو فعالیت می‌کند و مقدار دیگری از آن را به کار درآمدزا می‌پردازد و درآمد حاصله را برای خرید نهاده‌های کالایی دو فعالیت صرف می‌کند. با توجه به نمودار ۲، اگر او در گزینش ۵ واحد از x و ۵ واحد از y، مطلوبیت‌اش بیشینه شود، x_1 و y_1 را برمی‌گزیند. برای این گزینش، او ناچار است ۱۰۵ دقیقه از وقت خود را به فعالیت زمان‌بر (y) و ۱۳۵ دقیقه را به کار درآمدزا برای تأمین هزینه نهاده‌های کالایی این دو فعالیت اختصاص دهد.



نمودار (۲)

اکنون اگر فرض کنیم قیمت نهاده کالایی فعالیت (y) از ۵۰۰۰ ریال به ۲۲۵۰۰ ریال افزایش یابد، در این صورت خط بودجه جدید، AB' خواهد بود و اگر این افزایش قیمت توسط درآمد خارجی جبران شود و شخص بتواند همان مطلوبیت U را به دست آورد، یعنی با خط بودجه $A''B''$ ، باز هم از میزان فعالیت (y) می‌کاهد؛ زیرا در این صورت، این فعالیت برای او گران‌تر تمام می‌شود و می‌تواند فعالیت x را جایگزین آن کند. بنابراین اگر قبلاً به x_1 و y_1 می‌پرداخت، اکنون به x_2 و y_2 می‌پردازد. در این صورت، به مقداری که از فعالیت (y) کاسته است، به کار درآمدزا می‌افزاید. بر این اساس می‌توان گفت افزایش نسبی قیمت نهاده‌های کالایی فعالیت زمان‌بر، موجب افزایش عرضه کار خواهد شد.

الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا با توجه به تغییر در دستمزد

اکنون در بررسی اثرات تغییر در دستمزد، برای سهولت در نتیجه‌گیری، فروض الگوی سابق را اندکی تغییر می‌دهیم. در الگوی قبل، هر یک از فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر را ترکیبی از زمان و نهاده کالایی فرض کرده بودیم. فرض چنین ترکیبی، در آن الگو ضرورت داشت، زیرا هنگامی که می‌خواستیم تأثیر نهاده کالایی را بررسی کنیم، به ناچار باید نهاده کالایی، جزیی از فعالیت زمان‌بر در نظر گرفته می‌شد؛ اما در این‌جا، فرض چنین فعالیت‌های ترکیبی ضرورت ندارد، زیرا تنها درصد بررسی تأثیر

تغییرات در دستمزد هستیم. از اینرو، برای سهولت در نتیجه‌گیری، می‌توانیم در فعالیت زمان‌بر، نهاده کالایی را و نیز در فعالیت کمتر زمان‌بر، نهاده زمانی را صفر فرض کنیم.

در این الگو، می‌توان همه فعالیت‌های انسان آخرت‌گرا را به دو دسته جداگانه دسته‌بندی کرد: یک دسته، از فعالیت‌هایی تشکیل می‌شود که در ابتدا با هدف دستیابی به منافع دنیوی انجام می‌شوند. البته در نهایت همه فعالیت‌های انسان آخرت‌گرا، از هدف نهایی رضایت خداوند برخوردارند؛ اما در اینجا، آن‌ها را به لحاظ هدف ابتدایی‌شان فعالیت‌های دنیوی می‌نامیم. فعالیت‌های دنیوی، خود از دو متغیر زمان‌بر و کمتر زمان‌بر تشکیل می‌شوند. متغیرهای زمان‌بر در این فعالیت‌ها، همان استراحت‌ها و تفریح‌ها و کارهای شخصی بدون دستمزد و متغیرهای کمتر زمان‌بر، شامل کالاها و خدماتی هستند که در زندگی روزمره، برای رفع نیازهای شخصی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

دسته‌ای دیگر از فعالیت‌های انسان آخرت‌گرا، از اموری تشکیل می‌شوند که در اهداف ابتدایی نیز صبغه دینی دارند و به انگیزه تحصیل منافع اخروی انجام می‌پذیرند. این دسته را در اینجا فعالیت‌های اخروی می‌نامیم. فعالیت‌های اخروی نیز از دو متغیر زمان‌بر و کمتر زمان‌بر تشکیل می‌شوند. فعالیت‌های زمان‌بر اخروی، عمدتاً خدمت به دیگران با صرف وقت، زمان صرف شده برای آموزش دادن و یادگیری تعالیم دینی، انجام واجبات کفایی و انجام عبادات را شامل می‌شوند و فعالیت‌های کمتر زمان‌بر، شامل انفاقات مالی و کالاها و خدماتی هستند که در امور اخروی صرف می‌شوند.

هر چند فعالیت‌های دنیوی و اخروی کاملاً از یکدیگر مستقل نیستند، اما برای سهولت در نتیجه‌گیری، آن‌ها را مستقل فرض می‌کنیم و برای هر یک، جداگانه تابعی را تشکیل و در پایان دو تابع را با هم مورد توجه قرار می‌دهیم. از اینرو فرض می‌کنیم انسان آخرت‌گرا از ۲۴ ساعت شبانه‌روز، تنها ۸ ساعت را به امور اخروی و ۱۶ ساعت را به امور دنیوی اختصاص می‌دهد. طبیعی است که با تعیین ساعات جداگانه برای هر یک از فعالیت‌های دنیوی و اخروی، پاره‌ای از رفتارهای انسان آخرت‌گرا مورد غفلت

قرار می‌گیرد. برای نمونه، ساعاتی که او به امور اخروی اختصاص می‌دهد، نسبت به سطوح درآمدی و دستمزدها متفاوت است، در صورتی که در این‌جا به‌طور ثابت ۸ ساعت در نظر گرفته شده است. با این همه، برای ساده‌سازی الگو و دستیابی سریع‌تر به نتیجه، بهتر است این فرض غیرواقعی را در نظر بگیریم. البته باید بگوییم هرچا ارتباط میان فعالیت‌های اخروی و دنیوی موجب پیچیدگی الگو نشود، آن‌را مورد توجه قرار خواهیم داد.

الگوی مربوط به فعالیت‌های دنیوی

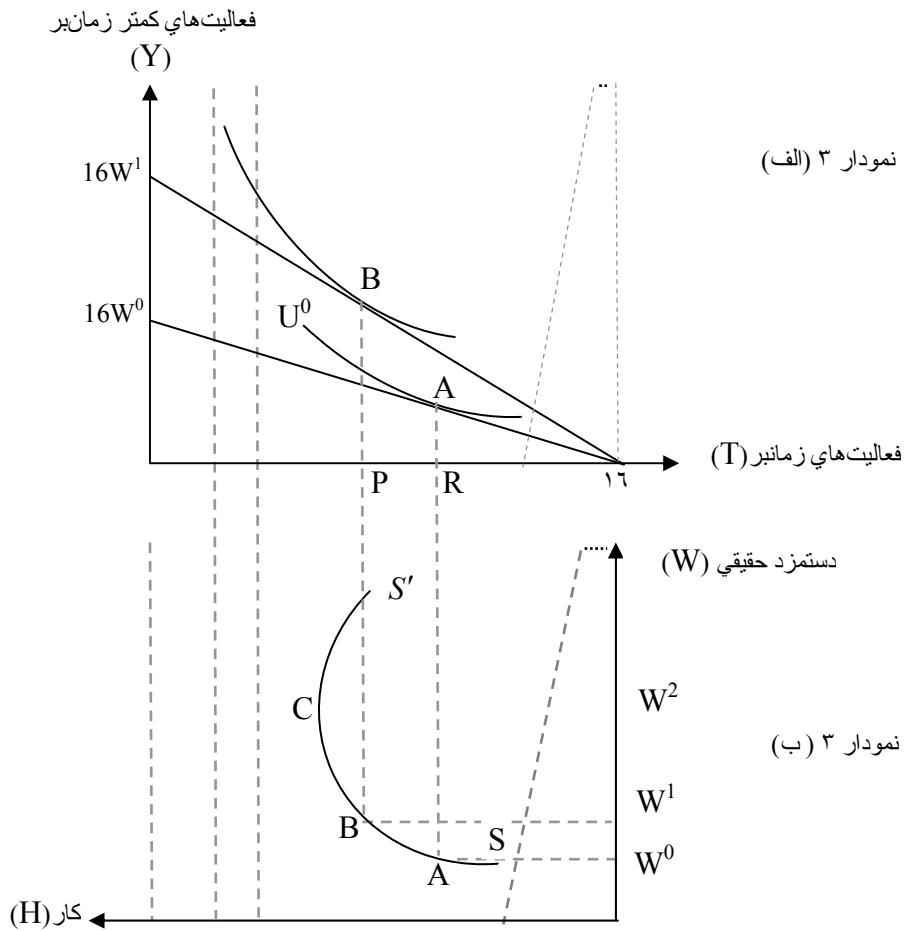
نمودار ۳ (الف) رفتار انسان آخرت‌گرا را در گزینش میان فعالیت‌هایی ترسیم می‌کند که در ابتدا منافع دنیای آن‌ها مورد توجه است، ولی در گزینش میان فعالیت‌های دنیوی زمان‌بر و کمتر زمان‌بر، مطلوبیتش را بیشینه می‌کند. نمودار ۳ (ب) عرضه کار او را نشان می‌دهد در این‌جا لازم است ابتدا فعالیت‌هایی را مشخص کنیم که از قابلیت جانشینی برخوردار نیستند و از محدوده گزینش میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر خارج‌اند. هر انسانی در شبانه‌روز نیاز به استراحت‌ها و تفریح‌های ضروری دارد که باید زمانی را به آن‌ها اختصاص دهد. این محدوده، از آن‌جا که با فعالیت‌های کمتر زمان‌بر جایگزین نمی‌شود، جایگاه مستقلی برای آن‌ها در نمودار ۳ (الف) در نظر گرفته شده و در سمت چپ نمودار، این محدوده از محور فعالیت‌های زمان‌بر با خطوط ناپیوسته جدا شده است. در کنار آن، ستون دیگری از همان محور جدا شده است. این محدوده نیز به فعالیت‌های زمان‌بری اختصاص دارد که هرچند غیر ضروری‌اند، اما از قابلیت جانشینی با فعالیت‌های کمتر زمان‌بر برخوردار نیستند. در این مورد، می‌توان به خواب افزون بر ساعات ضروری اشاره کرد که هنوز نتوانسته است با کالاها یا خدماتی که بتواند همه مزایای خواب را فراهم کند جایگزین شود. البته این محدوده، از آن‌جا که اختیاری است، ممکن است در الگوی همه افراد یافت نشود، ولی به‌طور معمول، همه افراد کم و بیش از چنین فعالیت‌هایی برخوردارند.

از سوی دیگر، هر انسانی برای بقا و ادامه زندگی، به مصرف کالاها و خدمات

ضروری نیازمند است. انسان برای فراهم کردن این کالاها و خدمات، به تحصیل درآمد می‌پردازد و از آنجا که تحصیل درآمد، در شرایط معمولی از طریق کار درآمدزا میسر است، او به ناچار باید ساعاتی را به کار درآمدزا اختصاص دهد. طبیعی است که در این صورت، دیگر نمی‌تواند این ساعات را به فعالیت‌های زمان‌بر بپردازد. از این‌رو در نمودار ۳ (الف)، این بخش از فعالیت‌های کمتر زمان‌بر ضروری، از محور فعالیت‌های زمان‌بر حذف شده‌اند. این محدوده که به صورت نوزنقه با خطوط ناپیوسته در سمت راست نمودار مشخص شده است، نشان‌دهنده این است که هرچه دستمزد و در نتیجه درآمد مشخص افزایش یابد، فرد از زمان فراغتی خود کمتر می‌کاهد و به دیگر سخن، برای تأمین آن کالاها و خدمات، به کار درآمدزای کمتری نیازمند است. جایگاه سه محدوده ذکر شده در نمودار ۳ (ب) نیز مشخص شده‌اند.

پس از مشخص شدن محدوده‌های انعطاف‌ناپذیر نسبت به تغییرات دستمزد و جداکردن آن‌ها از حیطه تصمیمات بیشینه‌سازی، محدوده‌ای از فعالیت‌ها باقی می‌ماند که شخص می‌تواند با گزینش و جایگزینی میان آن‌ها، مطلوبیت خود را بیشینه کند.

با توجه به نمودار ۳ (الف)، او با دستمزد W^0 با گزینش خود میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر، در نقطه A مطلوبیت خود را بیشینه می‌کند. حال اگر فرض کنیم دستمزد از W^0 به W^1 افزایش یابد، در این صورت هزینه فرصت فعالیت‌های زمان‌بر برای او افزایش می‌یابد و در این صورت وی از فعالیت‌های زمان‌بر می‌کاهد و به کار درآمدزا و مصرف کالاها و خدمات می‌افزاید. این روند تا جایی ادامه می‌یابد که اثر جاننشینی بر اثر درآمدی فایق آید، اما اگر به مرحله‌ای برسد که اثر درآمدی بر اثر جاننشینی غلبه کند (مانند نقطه C به بعد در نمودار ۳ - ب) در این صورت، فعالیت‌های زمان‌بر جایگزین فعالیت‌های کمتر زمان‌بر خواهد شد و در نتیجه منحنی عرضه نیروی کار، به عقب بر خواهد گشت. در این مرحله نکته حایز اهمیت در رفتار انسان آخرت‌گرا، این است که اگر در طول منحنی عرضه نیروی کار به فعالیت‌های زمان‌بر صرف‌نظر شده یا جایگزین شده توجه کنیم، درمی‌یابیم که همه آن‌ها از نوع و سنخ یکسانی برخوردار نیستند.



عرضه نیروی کار انسان آخرت‌گرا در فعالیت‌های دنیوی

در دستمزدهای پایین، عمده فعالیت‌های زمان‌بر را فعالیت‌هایی تشکیل می‌دهند که غیرتجملی و غیررفاهی‌اند؛ یعنی فعالیت‌هایی که به‌طور معمول می‌توانند آثار و نتایج استفاده از کالاها و خدمات را در بر داشته باشند. بعنوان مثال انسان برای رفتن به محل کار و بازگشت از آن، می‌تواند پیاده روی کند و یا از اتوبوس، تاکسی، وسیله شخصی و یا... استفاده کند. هر یک از این موارد، از نظر زمان لازم و نهاده کالایی (هزینه مالی) با یکدیگر متفاوت‌اند. بدیهی است که هرچه سطح دستمزد پایین‌تر باشد، او از روشی استفاده می‌کند که زمان بیشتر و نهاده کالایی کمتری را در بر داشته

نمونه‌ها
۱۱
۱۸۰

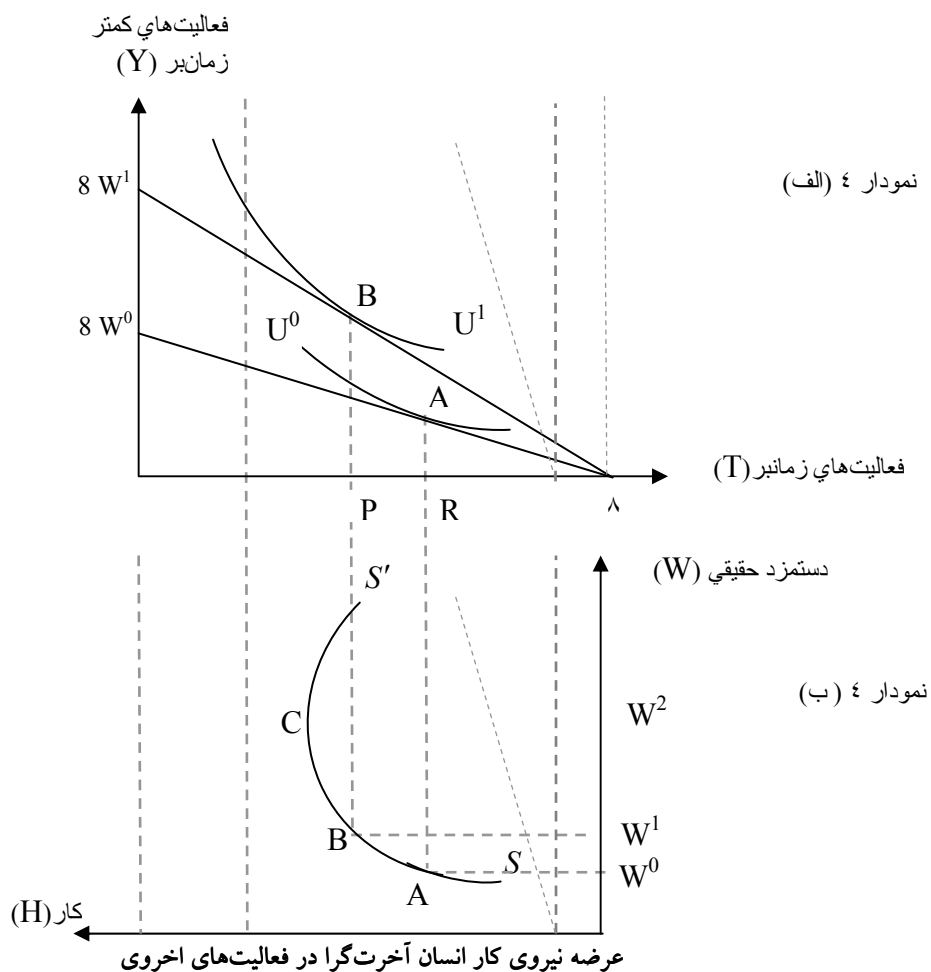
باشد. این جایگزینی، تا جایی که منحنی عرضه به عقب بر می‌گردد (در نقطه C در نمودار ۳. ب) ادامه می‌یابد، اما پس از آن، گونه دیگری از فعالیت‌های زمان‌بر افزایش می‌یابد؛ زیرا معقول نیست که در سطوح دستمزد بالا، شخص به فعالیت‌های زمان‌بری - مانند پیاده‌روی به جای استفاده از وسیله نقلیه- دست بزند که رفاه و آسایش او را کاهش دهد، بلکه در آن مرحله، فعالیت‌های زمان‌بر، از نوع تجملی و رفاهی خواهد بود. در سطوح بالای دستمزد، وی ناگزیر از کار درآمدزای زیاد نیست، در این صورت، زمان بیشتری را به آسایش و تفریح‌های رفاهی و تجملی اختصاص می‌دهد. اگر انسان آخرت‌گرا را با انسان دنیاگرا در این مراحل مقایسه کنیم، پی می‌بریم که رفتار آن دو، در مراحل قبل از نقطه C تفاوت چندانی با یکدیگر ندارد، اما از نقطه C به بعد، انسان آخرت‌گرا کمتر به تفریح‌های تجملی روی می‌آورد و از موارد اسراف و تبذیر در این مرحله گریزان است. از این رو می‌توان گفت منحنی عرضه او در این مرحله، کمتر به عقب بر می‌گردد.

اهمیت کار درآمدزا در نظر انسان آخرت‌گرا، موجب تأکید فزون‌تری بر این تفاوت خواهد شد. از آنجا که کار درآمدزا، به لحاظ آثار فقرزدایی، توسعه رزق و استقلال اقتصادی، فرهنگی، سیاسی آن برای خود شخص و نیز برای جامعه، مورد تأکید ادیان الهی قرار گرفته است، انسان آخرت‌گرا آن را به صرف وقت در تفریحات تجملی و رفاهی ترجیح می‌دهد و در نتیجه منحنی عرضه او کمتر به عقب بر می‌گردد.

الگوی مربوط به فعالیت‌های اخروی

نمودار ۴ (الف) رفتار انسان آخرت‌گرا را در گزینش میان فعالیت‌هایی ترسیم می‌کند که از ابتدا منافع اخروی را در بر دارد. در این مثال فرض بر این است که وی به‌طور ثابت، ۸ ساعت را در شبانه‌روز به فعالیت‌های اخروی اختصاص می‌دهد. اکنون برای به‌دست آوردن الگوی رفتاری انسان آخرت‌گرا در فعالیت‌های اخروی، ابتدا فعالیت‌هایی را که از قابلیت جانشینی برخوردار نیستند و از محدوده گزینش میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر خارج‌اند مشخص می‌کنیم:

واجبات کفایی در این الگو، جایگاهی غیرقابل جایگزینی دارند. واجبات کفایی دو دسته‌اند: دسته‌ای از آن‌ها مانند شغل‌های ضروری جامعه، گرچه واجبانند، اما شخص در ازای انجام آن‌ها، دستمزد دریافت می‌کند. ولی تغییر دستمزد، در زمان پرداختن به آن‌ها تأثیری ندارد، بلکه میزان آن بر حسب نیاز ضروری جامعه تعیین می‌شود. شخص آخرت‌گرا برای انجام این دسته از واجبات کفایی، ناچار است زمانی را از فعالیت‌های زمان‌بر اخروی حذف کند و به آن واجبات، اختصاص دهد. این بخش، در قسمت راست نمودار ۴ (الف) با خطوط ناپیوسته مشخص و از محور فعالیت‌های زمان‌بر جدا شده است.



دسته دیگر واجبات کفایی، بدون دستمزد هستند. این واجبات، به همراه میزان الزامی

عبادات و آموختن و آموزش دادن فرامین دینی، جزئی از فعالیت‌های زمان‌بر به حساب می‌آیند که قابلیت جایگزینی با فعالیت‌های کمتر زمان‌بر را ندارند. از این‌رو، این محدوده از فعالیت‌ها را در سمت چپ نمودار ϵ (الف) با خطوط ناپیوسته، از محور فعالیت‌های زمان‌بر جدا کرده‌ایم.

در قسمت سمت راست نمودار ϵ (الف)، محدوده دیگری به صورت خطوط ناپیوسته مورب از محور فعالیت‌های زمان‌بر جدا شده است. این محدوده، به انفاقات واجب مانند خمس و زکات تعلق دارد. یکی از موارد خمس، ۲۰ درصد از درآمد مازاد بر مصرف است و زکات، مربوط به برخی دارایی‌هاست که مقدار واجب آن در مقادیر مختلف از آن دارایی‌ها متفاوت است. به طور معمول، هرچه دستمزد و درآمد افزایش یابد، درآمد مازاد بر مصرف و احتمالاً دارایی‌های مورد زکات شخصی نیز افزایش می‌یابد و در این صورت، انفاقات بیشتری بر فرد واجب می‌شود. از این‌رو، این محدوده با خطوط ناپیوسته مورب مشخص شده است و نشان‌دهنده این است که هرچه دستمزد افزایش یابد، شخص آخرت‌گرا از مقدار بیشتری از فعالیت‌های زمان‌بر اخروی صرف‌نظر و درآمدی که در ازای کار درآمدزا به دست می‌آورد، به عنوان انفاقات واجب مصرف می‌کند. جایگاه محدوده‌های ذکر شده در نمودار ϵ (ب) نیز مشخص شده‌اند. پس از تعیین محدوده‌های غیرقابل جانشینی، نوبت به محدوده‌ای می‌رسد که انسان آخرت‌گرا میان فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر اخروی گزینش می‌کند. این محدوده که در وسط نمودارهای ϵ (الف و ب) نشان داده شده است، مواردی مانند انفاقات مالی و زمانی مستحب، آموختن و آموزش دادن راجح تعالیم دینی، عبادات مستحب و امور خیر دیگر را شامل می‌شود. با توجه به نمودار ϵ (الف) انسان آخرت‌گرا در دستمزد W^0 در نقطه A مطلوبیت خود را نسبت به گزینش از فعالیت‌های زمان‌بر و کمتر زمان‌بر اخروی پیشینه می‌کند. هنگامی که دستمزد به W^1 افزایش می‌یابد، هزینه فرصت فعالیت‌های زمان‌بر برای او افزایش می‌یابد و صرفه در این است که مقداری از فعالیت‌های کمتر زمان‌بر اخروی را جایگزین مقداری از فعالیت‌های زمان‌بر اخروی کند. در این صورت، گزینش بهینه او با توجه به دستمزد W^1 در نقطه B تعیین

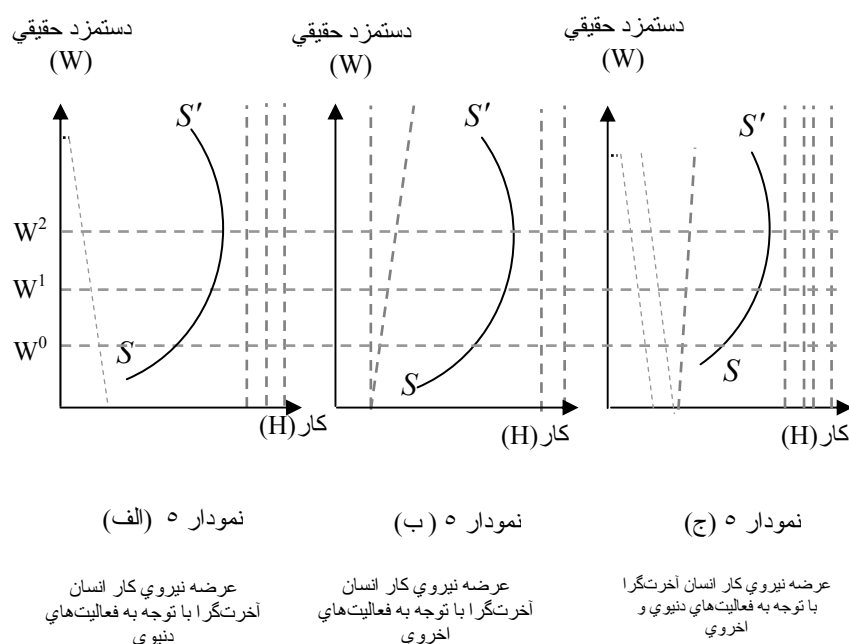
می‌شود. این روند جایگزینی، همانند نمودار قبل، تا جایی ادامه می‌یابد که اثر جانشینی به اثر درآمدی فایق آید که این حد در نمودار ۴ (ب) با نقطه C نشان داده شده است. حال اگر اثر درآمدی بر اثر جانشینی غلبه کند، منحنی نیروی کار به عقب بر می‌گردد. این مرحله را در نمودار ۴ (ب) از نقطه C به بعد می‌توان مشاهده کرد. برای مشخص کردن شیپ و کشش منحنی عرضه در هنگام به عقب برگشتن، باید به چند نکته توجه کرد. نخست این‌که، انسان آخرت‌گرا برای یاری رساندن به دیگران و انفاقات زمانی، ارزش ویژه‌ای قایل است؛ زیرا خدمت‌رسانی عملی به دیگران، تأثیر به‌سزایی در تعالی و تکامل روح انسان دارد. از این رو، او سعی می‌کند این قبیل فعالیت‌های زمان‌بر را در برنامه امور اخروی خود مورد توجه قرار دهد. طبعاً هرچه دستمزد و درآمد او افزایش یابد، آن فعالیت‌ها را نیز افزایش خواهد داد. این امر، به دلیل اثر درآمدی قوی آن موجب به عقب برگشتن منحنی عرضه خواهد شد.

از سوی دیگر، نوع فعالیت‌های زمان‌بر اخروی در دستمزدهای پایین، معمولاً با آن فعالیت‌ها در دستمزدهای بالا متفاوت است. در دستمزدهای پایین، عمده فعالیت‌های زمان‌بر، از نوعی هستند که همان آثار و نتایج فعالیت‌های کمتر زمان‌بر را دارند، اما به دلیل دستمزد و درآمد پایین برای شخص که به جای هزینه مالی از وقت و زمان خود هزینه کند. به‌عنوان مثال، برای آموزش دادن تعالیم دینی به فرزندان، می‌توان از شیوه‌های مختلف استفاده کرد. مانند این‌که خود شخص به تدریس فرزندان اقدام کند و یا از کلاس‌های عمومی با هزینه کم، استاد خصوصی، نرم افزارهای کمک آموزشی و... بهره ببرد. زمان و هزینه مالی لازم برای هر یک از این موارد، با یکدیگر متفاوت است. در سطوح دستمزدی پایین، شخص بیشتر تمایل به مواردی دارد که زمان بیشتر و هزینه‌های کمتری را در بر داشته باشد و هرچه دستمزد و درآمد شخص افزایش یابد، او به فعالیت‌های کمتر زمان‌بر بیشتری تمایل پیدا می‌کند. در نتیجه، این قبیل از فعالیت‌های زمان‌بر، در سطوح بالای دستمزد جایگاهی نخواهند داشت و در به عقب برگشتن منحنی عرضه مؤثر خواهند بود.

با توجه به دو نکته متضاد ذکر شده، باید گفت میزان برگشت منحنی عرضه نیروی

کار، بستگی به برآیند دو عامل متضاد دارد که در این صورت، یا اصلاً به عقب بر نمی‌گردد، و یا به صورت عمودی درمی‌آید و یا کمی به عقب بر می‌گردد.

عرضه نیروی کار انسان آخرت‌گرا با توجه به مجموع فعالیت‌های دنیوی و اخروی نمودارهای ۵ (الف و ب) همان نمودارهای ۳ (ب) و ۴ (ب) هستند که دوباره به‌طور مجزا رسم شده‌اند و علاوه بر آن‌ها در نمودار ۵ (ج) مجموع آن دو با هم نشان داده شده‌اند. از این‌رو می‌توان گفت نمودار ۵ (ج) نشان دهنده عرضه نیروی کار انسان آخرت‌گرا با توجه به همه فعالیت‌های او در ۲۴ ساعت شبانه‌روز است.



ستون‌های سمت راست این نمودار، که با خطوط ناپیوسته مشخص شده‌اند، مربوط به استراحت‌ها و تفریح‌های ضروری، فعالیت‌های زمان‌بر غیرضروری و غیرقابل جایگزینی، واجبات کفایی بدون دستمزد، عبادات و آموختن‌ها و آموزش دادن‌های الزامی فرامین دینی است. جایگاه‌های سمت چپ این نمودار، به کالاها و

خدمات ضروری، واجبات کفایی همراه با دستمزد و انفاقات واجب مربوط می‌شوند. وسط این نمودار، محدوده‌ای از فعالیت‌های دنیوی و اخروی را نشان می‌دهد که از قابلیت جانشینی با یکدیگر برخوردارند.

این محدوده، شامل تفریح‌ها و استراحت‌های اختیاری، کالاها و خدمات غیرضروری، انفاقات مالی و زمانی مستحب، آموختن‌ها و آموزش دادن‌های راجح آموزه‌های دینی، عبادات مستحب و امور خیر راجح دیگر می‌شوند. همان‌گونه که در نمودارهای ۳ و ۴ توضیح داده شد، منحنی عرضه نیروی کار انسان آخرت‌گرا در هر مرحله برگشت، به علل بازدارنده‌ای برخورد می‌کند که موجب می‌شوند یا اصلاً به عقب برنگردد، یا کمی برگردد. در نمودار ۵ (ج) نیز که در حقیقت ترکیبی از نمودارهای ۳ و ۴ (ب) است، همین عوامل حضور دارند و منحنی عرضه نیروی کار انسان آخرت‌گرا را در هر مرحله برگشت به عقب با کندی مواجه می‌سازند.

انتخاب نوع شغل و نحوه عرضه آن

پس از بیان معیارهای کلی الگوی تخصیص زمان، این مطلب حایز اهمیت است که فرد آخرت‌گرا، در انتخاب شغل و ترجیح یکی بر دیگری چه معیارهایی را در نظر می‌گیرد؟ اگر بخواهیم درباره یک مسلمان معتقد به عالم آخرت قضاوت کنیم یقیناً خواهیم گفت او از اشتغال به کارهای حرام می‌پرهیزد و به شغل‌های واجب کفایی می‌پردازد و میان شغل‌های مباح، مستحب و مکروه، بسته به درجه اعتقادش به آخرت، گزینش می‌کند. از آن‌جا که، احکام پنج‌گانه شغل‌های مختلف، در جای خود بحث شده است، در این‌جا از طرح آن‌ها صرف‌نظر می‌کنیم.

بحث دیگری که در این راستا اهمیت ویژه‌ای دارد، گزینش میان حالت‌های مختلفی است که به یک شغل می‌توان پرداخت. برای مثال، شخصی را در نظر بگیرید که شغل باغبانی را انتخاب می‌کند ولی باغ یا سرمایه خرید آن‌را در اختیار ندارد. در این صورت او به روش‌های گوناگون می‌تواند به شغل باغبانی بپردازد. یا نزد صاحب‌باغی اجیر شود و در ازا کار خود، اجرت دریافت کند، یا با قرارداد مسابقات در محصول باغ شریک شود، و یا با کمک دیگران و دولت باغی خریداری کند و همه محصول را در

اختیار بگیرد. در متون اسلامی، به دو مورد اخیر بیشتر ترغیب و تشویق شده است. آیات و روایات فراوانی، کمک به دیگران و تهیه وسایل کار برای آن‌ها را توصیه کرده‌اند. تا آن‌جا که، شهید صدر در کتاب «اقتصادنا» این مسئله را از وظایف دولت اسلامی می‌داند. (صدر، ۱۴۱۱ ق، صص ۶۶۳-۶۶۲). سیره پیامبر اکرم (ص) نیز نشان‌دهنده زمینه‌سازی در این مورد است. احداث بازار و واگذاری بدون هزینه غرفه‌ها به فروشندگان، توصیه انصار و مهاجرین به مزاربه، مزارعه، مساقات و امثال آن‌ها، نمونه‌هایی از این سیره هستند. شاید بتوان دلیل این‌گونه زمینه‌سازی‌ها و ترغیب‌ها و تشویق‌ها را چنین بیان کرد که معمولاً در این روش‌ها عرضه‌کننده کار بهتر می‌تواند به حقوق خود دست یابد. در توضیح این مطلب می‌توان گفت برای سهم‌بندی محصولات دست‌کم به دو امر باید توجه داشت.

یکی سهم عوامل تولید، که شامل کار، مدیریت، سرمایه و... می‌باشد. و دیگری اراده و اقدام بر، به‌کارگیری عوامل در جهت کسب منافع و به‌عهده گرفتن ضرر و زیان یا یکی از آن‌ها.

این اقدام و عهده‌پذیری را که یک یا چند نفر از صاحبان عوامل و یا حتی شخصی خارج از آن‌ها بر عهده دارد، می‌بایست جایگاه مستقلی در تحلیل برای آن در نظر گرفت و در سهم‌بندی منافع و ضررها مورد توجه قرار داد. در اقتصاد سرمایه‌داری، چنین عهده‌داری و اقدام، تنها شامل سود یا زیان بنگاه‌های تولیدی می‌شود که پس از کسر همه هزینه‌ها از جمله هزینه مدیریت از کل درآمد به‌دست می‌آید. حال صرف‌نظر از این‌که سهم این عهده‌داری در اقتصاد اسلامی چه اندازه است، باید گفت: اگر کارگر کار خود را به شیوه اجاره عرضه کند. هیچ‌گونه سود و زیانی را عهده‌دار نشده است؛ در این صورت تنها سهم او از محصول مبلغی است که به عامل کار تعلق می‌گیرد. ولی اگر او با شیوه مزاربه، مزارعه، مساقات، مشارکت و... کار خود را عرضه کند. به‌نحوی مسئولیت تولید را پذیرفته است و در سهم و اقدام و عهده‌داری نیز سهیم است. البته این سهم همیشه منافع را در بر ندارد، بلکه گاهی نیز با زیان همراه است، اما به‌رحال به نظر می‌رسد در بیشتر موارد به مصلحت عرضه‌کننده کار باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که تاکنون گفته شد، می‌توان یک الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا را با یک الگوی دنیاگرا مقایسه کرد. جنبه‌های مشترک این الگو را بیشتر در فعالیت‌های دنیوی می‌توان پیدا کرد. برای نمونه، استراحت‌ها و تفریح‌های ضروری، کالاهای و خدمات ضروری، و بسیاری از فراغت‌ها و کالاهای و خدمات غیراضطراری، جنبه‌های مشترک به شمار می‌آیند؛ اما در همین فعالیت‌های دنیوی، مواردی نیز یافت می‌شوند که آن دو الگو را از یکدیگر متمایز می‌سازند. به عنوان مثال، پرهیز انسان آخرت‌گرا از اسراف و تبذیر، کمتر روی آوردن به کالاهای و فراغت‌های تجملی و توجه به آثار اجتماعی کار درآمدزا، نه تنها وجوه امتیاز الگوی آخرت‌گرا هستند، بلکه موجب می‌شوند تا منحنی عرضه نیروی کار آخرت‌گرا، در سطوح دستمزدی بالا، کمتر به عقب برگردد.

از سوی دیگر، الگوی تخصیص زمان آخرت‌گرا در فعالیت‌های اخروی را می‌توان به‌طور کامل از ویژگی‌های الگوی آخرت‌گرا دانست. متغیرهایی مانند واجبات کفایی همراه با دستمزد و بدون دستمزد، عبادات الزامی و غیر الزامی، آموختن و آموزش دادن الزامی و غیر الزامی فرامین دینی، انفاقات واجب و مستحب و بسیاری از امور خیر دیگر، از عناصری هستند که دلیلی برای وجود آن‌ها در یک الگوی دنیاگرا در کار نیست. منحنی عرضه‌ای که در فعالیت‌های دارای قابلیت جانشینی از این امور اخروی به دست می‌آید نیز در سطوح دستمزدی بالا کمتر به عقب بر می‌گردد. از این‌رو، می‌توان نتیجه گرفت که علاوه بر تفاوت در متغیرها و عناصر تشکیل دهنده، یکی دیگر از تفاوت‌های منحنی عرضه نیروی کار آخرت‌گرا با دنیاگرا، در شکل این منحنی است که در سطوح دستمزدی بالا، کمتر به عقب بر می‌گردد.

همچنین از بحث انتخاب شغل نتیجه می‌شود که در الگوی آخرت‌گرا کارگر تمایل به گزینش شیوه‌هایی دارد که علاوه بر حاصل کار خود از سود آن شغل نیز برخوردار شود.

منابع و مأخذ

۱. الحر العاملي، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ق)، وسایل الشيعه الى تحصيل مسایل الشرعيه، تهران، کتابفروشی اسلاميه،
۲. دفتر همکاري حوزه و دانشگاه (۱۳۷۱)، مبانی اقتصاد اسلامي، تهران، سمت.
۳. الصدر، السيد محمد باقر (۱۴۱۱ق)، اقتصادنا، بيروت، دارالتعارف للمطبوعات.
۴. ضياء مجيد، حسين (۱۹۷۷م)، اقتصاد العمل في الفقه الاسلامي، اسكندريه، مؤسسه شباب الجامعه.
۵. كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۱۳)، فروع كافي، بيروت، دارالاضواء.
۶. ليارد، پي. آر. جي و ا. والترز (۱۳۷۷)، تئوري اقتصاد خرد، عباس شاکري، تهران، نشر نی.

7. sayyid tahir & others (1991) *Readings in microeconomics an Islamic persperctive*, Malaysia, Longman Malaysia.